

جامع نائینی، کمپانی و آقا ضیاء

هر کدام از استادان آیت الله العظمی میلانی چه نقشی در تربیت شخصیت علمی و معنوی وی داشتند؟



آقا ضیاء عراقی



آیت الله غروی کمپانی



میرزای نائینی

عصر شود و خود صاحب نظر و دارای مبنای مستقل گردد.

سایر استادان و تأثیرات علمی

علاوه بر این سه چهره محوری، آیت الله العظمی میلانی از محضر بزرگان دیگری نیز بهره برد که هر یک به نحوی در شکل گیری شخصیت او مؤثر بودند:

آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی: مرجع عام شیعه در آن دوران که آیت الله العظمی میلانی مدتی در درس فقه ایشان حاضر شد و با شیوه مدیریت و زعامت و همچنین فقه کاربردی آشنا گردید.

اساتید حکمت و فلسفه: میلانی برخلاف برخی فقها که تنها به فقه مشغول بودند، فلسفه را نیز به طور جدی دنبال کرد. او در محضر اساتیدی چون «سید حسین بادکوبه ای» و «شیخ محمد حسین اصفهانی» (که استاد فقه و اصولش نیز بود) حکمت آموخت. این تسلط بر فلسفه، در آثار کلامی و اعتقادی او به وضوح نمایان است.

آیت الله العظمی میلانی صرفاً یک «ناقل» یا «مقرر» نبود. او با نبوغی که داشت، توانست عصاره ای از مکتب های گوناگون نجف را بگیرد و در شناخت آنها به کمالی مطلوب دست یابد. وقتی ایشان به مشهد هجرت کرد (۱۳۳۳ ش)، حوزه ای را تحویل گرفت که نیاز به خون تازه داشت. آنچه آیت الله العظمی میلانی با خود به مشهد آورد، «متدولوزی اجتهاد جواهری» همراه با «دقت های اصول مدرن نجف» بود. شاگردان مشهدی ایشان نقل می کنند که وقتی آیت الله العظمی میلانی وارد بحث می شد، گویی نائینی و اصفهانی و عراقی در یک نفر جمع شده اند؛ با همان دقت، با همان عمق و با همان تسلط. ایشان در حقیقت، حلقه وصلی بود که میراث عظیم حوزه نجف را به خراسان منتقل کرد و باعث شد مشهد در دوره ای کوتاه، به حوزه ای هم تراز با حوزه های قم و نجف تبدیل شود. واقع گرایی حکم می کند بپذیریم که بدون حضور آیت الله العظمی میلانی و بدون پشتوانه علمی ناشی از شاگردی این بزرگان، احیای حوزه خراسان در آن مقطع تاریخی بسیار مشکل به نظر می رسید.

منابع:

گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، علمای بزرگ شیعه، پژوهشکده باقر العلوم، اسناد تاریخی و خاطرات شاگردان آیت الله میلانی.

میلانی، «میرزای نائینی» است. اگر غروی اصفهانی نماینده دقت های عقلی محض بود، نائینی نماینده «عرف گرایی منضبط» و ساختارمندی در اصول فقه به شمار می رفت. آیت الله العظمی میلانی سال ها در درس های میرزای نائینی شرکت کرد. میرزای نائینی با ابداع نظریات جدید در اصول فقه (مانند بحث ترتب، خطابات قانونیه و...) تحولی شگرف در حوزه نجف ایجاد کرده بود. ویژگی بارز درس میرزای نائینی، «پرورش مجتهد» بود. او شاگردانش را وادار به تفکر و نقد می کرد. آیت الله العظمی میلانی از میرزای نائینی آموخت که چگونه می توان میان دقت های عقلی و برداشت های عرفی دقیق از روایات جمع کرد. بسیاری از تقریرات درس میرزا که توسط شاگردانش نوشته شده، نشان دهنده عمق این مکتب است. آیت الله العظمی میلانی خود یکی از کسانی بود که به خوبی بر مبنای «میرزا» مسلط بود و در تدریس های خود در مشهد، دائماً به آرای وی ارجاع می داد و گاه آنان را نقد و گاه تثبیت می کرد. حضور هم زمان آیت الله العظمی میلانی در درس اصفهانی و نائینی، ترکیبی منحصربه فرد از «دقت فلسفی» و «شم فقه ایتی» را در او ایجاد کرد. این ویژگی سبب شد تا آیت الله العظمی میلانی بعدها در مقام فتوا، نه چنان در پیج و خم های عقلی گرفتار شود که از واقعیت دور بماند و نه چنان سطحی نگر باشد که از عمق ادله غافل شود.

تندیس موشکافی و نقادی

ضلع سوم مثلث استادان میلانی، «آقا ضیاء الدین عراقی» است. عراقی به داشتن ذهنی نقاد و بسیار سریع الانتقال شهرت داشت. درس او میدان مبارزه علمی بود. شاگردان در درس آقا ضیاء، جرأت و جسارت علمی می یافتند. آیت الله العظمی میلانی از درس آقا ضیاء، «جسارت در نقد» و «احاطه بر فروع فقهی» را آموخت. سبک آقا ضیاء در بحث، مبتنی بر تحلیل های دقیق الفاظ و واکاوی احتمالات گوناگون در یک مسئله بود. آیت الله العظمی میلانی که خود دارای طبعی آرام و متین بود، در ساحت علم از این ویژگی استاد بهره برد و در مقام استدلال، هیچ احتمالی را بدون بررسی دقیق رد نمی کرد. گزارش های تاریخی حاکی از آن است که میلانی مورد توجه ویژه آقا ضیاء و استاد برای نظرات این شاگرد فاضل، احترام قائل بود. تأثیر پذیری از این سه استوانه (اصفهانی، نائینی، عراقی) باعث شد که آیت الله العظمی میلانی جامع مکتب اصولی رایج آن

حوزه علمیه نجف در اوایل قرن چهاردهم هجری، کانون جوشان فقه و اصول شیعه بود؛ دورانی که برخی آن را «عصر طلایی فقه ایت» نامیده اند. پرورش شخصیت علمی آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی محصول مستقیم تعامل با برجسته ترین علما و اندیشمندان آن عصر زین است. برای درک عمق اندیشه فقهی و اصولی آن مرحوم، نمی توان صرفاً به آثار او نگرست، بلکه باید به سرچشمه هایی رجوع کرد که شاکله علمی وی را در نجف اشرف قوام بخشیدند. این گزارش به بررسی نقش و جایگاه سه استاد محوری و چند چهره تأثیرگذار دیگر در تکوین شخصیت علمی آیت الله العظمی میلانی می پردازد.

حکیم اصولی

بی شک، یکی از مؤثرترین چهره ها در تکوین شخصیت علمی و معنوی آیت الله العظمی میلانی، «شیخ محمد حسین غروی اصفهانی» مشهور به «کمپانی» است. آیت الله العظمی میلانی به مدت چهارده سال تمام، پای درس این حکیم و اصولی دقیق النظر نشست. رابطه این دو فراتر از رابطه متعارف استاد و شاگرد بود و باید آن را نوعی هم افق شدن در مبنای عقلی و اصولی بدانیم. مرحوم غروی اصفهانی با رویکردی فلسفی به اصول فقه می نگرست. او تلاش می کرد ساختاری منطقی به قواعد استنباط ببخشد. آیت الله العظمی میلانی تحت تأثیر این مکتب، به فقهی تبدیل شد که تنها به ظواهر ادله بسنده نمی کرد، بلکه در پی کشف ملاکات احکام و دقایق عقلی نهفته در نصوص بود. تحلیل گران تاریخ فقه معتقدند که «دقت نظر» (تدقیق) بارزترین ویژگی مکتب اصفهانی بود که عیناً به آیت الله العظمی میلانی منتقل شد. ایشان در سال های تدریس در کربلا و سپس مشهد، همواره با همان متدولوزی استادش، مباحث را موشکافی می کرد. ارادت آیت الله العظمی میلانی به استادش تا آنجا بود که نقل می کنند وی تصحیح و تعلیق بر کتاب گرانسنگ «نهایة الدرایة» استادش را وظیفه خود می دانست و در ترویج افکار بلند شیخ محمد حسین اصفهانی نقشی بی بدیل ایفا کرد. مرحوم شیخ نه تنها در اصول، بلکه در حکمت و عرفان نیز دستی بر آتش داشت. تأثیر پذیری آیت الله العظمی میلانی از جنبه های معنوی و حکمی استاد نیز قابل انکار نیست.

آموزگار ساختارمندی اصول فقه

دومین ستون بنای شخصیت علمی آیت الله العظمی